

«سخاوت» در معنای لغوی به معنای بخشندگی و گشاده‌دستی و جود و کرم و بذل در امور مالی یا غیرمالی و ضد صفت بخل و از آثار زهد و بی‌توجهی به دنیاست.

بر اساس آموزه‌های قرآن و تفاسیر معصومان(ع)، سخاوت یک حالت نفسانی و باطنی در شاکله شخصیتی انسان است که او را بر آن می‌دارد که بدون منع درونی در چارچوب حق و دین الهی، احسان و انفاق و اکرام و ایثار کند تا این‌گونه مظهر اسم کریم و کرامت الهی در رفتار خویش باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «السَّخِيُّ الْكَرِيمُ الَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ فِي حَقِّ سَخَاوَتِمْدِمْدِ کَرِیم کسی است که مال خود را در امور حق و شایسته به مصرف برساند»(بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۵۳)، با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: «السَّخِيُّ قَرِیْبُ مِنَ اللَّهِ، قَرِیْبُ مِنَ النَّاسِ، قَرِیْبُ مِنَ الْجَنَّةِ» انسان سخاوتمند به خدا و به مردم و به بهشت نزدیک است»(بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۸)، بلکه حتی در حدیثی از پیغمبر اکرم آمده است: «السَّخِيُّ قَرِیْبُ اللَّهِ الْإِعْطَمُ؛ سخاوت، اخلاق بزرگ الهی است.»(کنز العمال، ج ۶، ص ۳۳۷، حدیث ۱۵۹۲۶) بنابراین، اهل سخاوت با چنین شاکله‌ای به اسم الهی «کریم» و مقام اکرام نزدیک شده و مظهر تجلیات آن اسم جامع الهی می‌شود.

انسان باید صفات و اسمایی الهی را در خود تجلی بخشد تا خدایی شده و به خدا تقرب یابد. از همین‌رو پیامبران و اولیای الهی برخوردار از اموری چون سخاوت هستند و هیچ پیامبر (شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۹۸، حدیث ۷۷۷) یا ولی الهی را نمی‌توان یافت که فاقد سخاوت باشد؛ پیامبر(ص) می‌فرماید: ما جیل الله ولیا له الا علی السَّخَاءِ؛ خدا همه اولیای خویش را بر سخاوت سرشته است. (کنزالعمال، ۱۶۲۰۴)

بر اساس روایات تفسیری – تبیینی معصومان(ع)، تمامیت کمالی این فضیلت اکریمی که جزو مکارم اخلاقی پیامبر(ص) دانسته شده (مالی صدوق، ص ۱۸۴) زمانی تکمیل می‌یابد که شخص دارای‌ها، فرصت‌ها، دانش‌های خود را بدون انتظار بازگشت یا جبران، در اختیار دیگران قرار دهد و ایثارگری کند.

اهل سخاوت چنان آسان از دنیا برمی‌رسیدن به آخرت و تقرب به خدا می‌گذرند، به مظهر کامل کرامت الهی می‌شوند که گویی آتش به هیزم خشک و به اصطلاح امروزی به بنزین رسیده است؛ زیرا در اصل لغت سخاوت آمده است: سَخَا سَخْوًا وَ سَخِيًا التَّارَ: زودآتش آتش را ساده و آسان کرد.

به سخن دیگر، سخاوت جنبه مثبت این اصطلاح عامیانه است که می‌گوید: آتش به مالم زدم، به این معنا که اصلا برای مال و دانش‌تهای دنیوی خویش نسبت به مقام قرب الهی و آخرت هیچ ارزشی قائل نیست و همه چیز را برای تقرب به خدا و تقرب خویش می‌بخشد و ایثار می‌کند. بنابراین، اهل سخاوت اهل اوج ایثار برای دستیابی به تقرب الهی هستند.

اگر واژه سخاوت در قرآن نیامده است، اما مفهوم اصطلاحی آن بر اساس تفسیر تبیینی معصومان(ع) در قرآن ذکر شده که می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله ایثارگری‌های معصومان(ع) بر اساس آیات سوره انسان و ایثارگری اهل مدینه بر اساس آیه ۹ سوره حشر است.

سخاوت همانند مروت «اسم جامع» برای مجموعه‌ای از فضائل اخلاقی از جمله جود و کرم و مانند آنها است. از همین‌روست که در تفاسیر معصومان(ع) شاخص‌ها و نشانه‌هایی برای سخاوت بیان شده که بیانگر جامعیت سخاوت نسبت به

سوءظن یکی از صفات اخلاقی مذموم و از مصادیق گناه، به شمار آمده و صریحاً مورد نهی واقع شده است. باین‌حال به لحاظ عقلی نمی‌توان همواره بر مدار نهی از آن عمل کرد چون برهیز از سوءظن به نحو مطلق و همیشگی، مصلحتی که موجب ضرر فردی و اجتماعی شود. درنتیجه یکی از چالش‌های مهم در ذیل بحث از سوءظن که کمتر مورد توجه و پژوهش قرار گرفته، شناخت و تشخیص مصادیق مجاز از مصادیق غیر مجاز است که در ادامه به این بحث پرداخته می‌شود.

معناشناسی سوءظن

«سوء» در لغت به معنی بد^(۱) و «ظن» به معنای گمان همراه با احتمال خلاف است^(۲). سوءظن در اصطلاح به حالتی گفته می‌شود که دارنده آن به همه‌چیز حتی نزدیک‌ترین افراد، بدبین است^(۳). در معنای دیگری که دقیق‌تر است گفته شده سوء ظن، به برداشت نادرستی از کاری گویند که قابلیت تفسیر به صحت یا غلط را دارد^(۴). ملا احمد نراقی در تعریف سوءظن می‌گوید

در آثار بدگمانی نسبت به دوستان آمده است:
بدگمانی بر هر که غلبه کند میان او و دوستش دیگر صلیحی باقی نگذارد.^(۵)

مراد از سوءظن این است که ظن سوء به قلب راه داده شود و نفس نسبت به آن مایل شود از همین روی صرف عبور و خطور یک‌چیز از خاطر ذهن و حتی شک کردن، مصادیق سوءظن نیست. آنچه در آیات و روایات از آن نهی شده است ظن است آن‌هم ظن راجح که سبب تمایل نفس به‌طرف آن شود^(۶) از همین جهت ایشان معتقدند بین سوءظن و خطور قلبی تفاوت وجود دارد. سوءظن در جایی است که با عارض شدن آن، تغییری در قلب پیدا شود و از الفت و محبت به سمت کراهت و نفرت برود یا در رفتار و معاشرت، بروز و ظهور داشته باشد^(۷)؛ بنابراین چنان‌که علامه طباطبائی تأکید کردند مراد از نهی از سوءظن، اجتناب از خود ظن نیست چون ظن نوعی ادراک نفسانی است که در دل پدید می‌آید و آدمی قادر نیست برای دل و قلب خود دری سازد تا از ورود ظن بد جلوگیری کند پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست بلکه مراد، نهی از بدترین ظن بد است؛ یعنی اگر در باره کسی ظن بد به دل فرد وارد شد، آن را

سخاوت؛ سرآمد مکارم اخلاقی و کلید بهشت

معارف
MaarefKayhan@Kayhan.ir

سخاوت؛ سرآمد مکارم اخلاقی و کلید بهشت



بسیار مهم است؛ به همین دلیل سخاوتمند حقیقی بر اساس دین الهی و سنت‌ها و قوانین آن نخست به واجبات می‌پردازد سپس به مستحبات، پیامبر(ص) می‌فرماید: اسَّخِيَ النَّاسَ مِّنْ أَدَى رِّكَاهِ مَالِهِ؛ بخشنده‌ترین مردم، کسی است که زکات مال خود را بپردازد.(بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۲، حدیث ۲)

شاخصه‌های سخاوت
چنان‌که گفته شد سخاوت اسم جامع برای دیگر فضائل و مکارم اخلاقی است. البته گاه این مکارم اخلاقی با هم همپوشانی دارند و در مواردی

فضائل اخلاقی است. بنابراین، سخاوت «شجره طیبه» عظیمی است که شاخه‌ها و ثمرات بسیاری دارد. در حدیث آمده است: إِنَّ السَّخَاءَ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ لَهَا أَغْصَانٌ مُّثَلِّبَةٌ فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ كَانَ سَخِيًّا تَعَلَّقَ بِغَضَمٍ مِنْ أَغْصَانِهَا، فَسَاقَهُ ذَلِكِ الْعُصَمَى إِلَى الْجَنَّةِ؛ سخاوت و بخشندگی، یکی از آویزان است. بنا بر این، هر که بخشنده باشد، به یکی از شاخه‌های آن آویزان شده و آن شاخه او را به طرف بهشت می‌کشاند.(بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۶۲)

خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره نسبت خویش به خدا در صفات الهی می‌فرماید: من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است. پروردگارم مرا به سخاوت و نیکی کردن فرمان داد و از بخل و سسختگیری بازم داشت. در نزد خداوند عزّ و جل چیزی منقور تر از بخل و بد اخلاقی نیست. بد اخلاقی، عمل را ضایع می‌کند، آن سان که سر که عسل را.

۱۷۱، حدیث ۱۱۱۴) از همین‌رو جزو دهگانه اصلی مکارم اخلاقی پیامبر(ص)م دانسته شده است. (مالی صدوق، ص ۱۸۴)
بر اساس این تفسیر از سخاوت، می‌توان «جود و کرم و انفاق، احسان و ایثار» و مانند آنها را جزو زیر شاخه‌های سخاوت دانست. البته باید توجه داشت که سخاوت در چارچوب دینداری معنا می‌یابد؛ بنابراین، اهتمام به واجبات و مستحبات

سوءظن و حکم آن

منظور از سوءظن، گمان بد بردن است و مذمت آن در جایی است که به صورت اختیاری از فرد صادر شود. از جمله موارد مذموم آن عبارت است از بدگمانی درباره خدای متعال، در خصوص نظام هستی. مطلق انسان‌ها از جمله انسان‌های نیکوکار، دوستان و فردی که سابقه خیانت ندارد.

است: «أَقْرَبُ بر خدایی که بهترین آفرینندگان است^(۱) در نتیجه بدگمانی نسبت به هستی و خلقت روا نیست. بر اساس جهان‌بینی اسلامی، جهان هستی بیهوده آفریده نشده است چرا که هدف چیزی نابخا و خالی از حکمت و فایده، خلق نگردیده و نظام موجود نظام احسن و اکمل است. لازمه مکتب‌های مادی که به جادوانگی معتقد نیستند و انسان را همچون حیایی می‌دانند که پس از ترکیبن نابود می‌شود، پوچ گزایی و بدبینی و سوءظن نسبت به دستگاه خلقت است.^(۲) آلودگان به این ذهنیت، عالم هستی را که مظهر رحمت الهی است، شوم و ناپاک می‌بینند و به‌نوعی گرفتار ناشکری می‌شوند چراکه زیبایی‌های هستی علیه واله) آمده است: «خداوند مؤمن را پس از توبه و استغفار، کفر نمی‌کند مگر به بدگمانی او نسبت به خدا.»^(۳)

از این‌رو برخی محققان قائل به حرمت سوءظن به خداوند متعال شده‌اند.^(۴) در روایت دیگری سوءظن به خداوند متعال از جمله گناهان کبیره شمرده شده است: «بزرگ‌ترین گناه کبیره، سوءظن و بدبینی به خداوند است.»^(۵)

امیرالمؤمنین علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر او را از حسن‌ظن به دشمن در هنگام صلح بر حذر داشته و می‌فرماید: هنگامی که با دشمنان صلح بستی، کاملاً از او بر حذر باش، زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود تا طرف را غافلگیر کند، بنابراین در چنین شرایطی احتیاط را از دست نده و دوراندیش باش و حسن ظن خویش را متهم ساز.» چه‌بسا دشمن دم از صلح، دوستی و تغییر رویه می‌زند، در این صورت نباید حسن‌ظن داشت و سریع به او اعتماد کرد.

سوءظن نسبت به عالم هستی
قرآن کریم نظام خلقت را احسن می‌داند و خداوند را بهترین آفرینندگان برمی‌شمارد. در سوره سجده آمده است: «آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت کرد.»^(۱) همچنین فرموده

بنابراین، نه‌تنها سخاوت از عالی‌ترین مکارم اخلاقی و اسم جامع برای فضائل دیگر اخلاقی است، بلکه ارتباط تنگاتنگی با عقل و یقین و علم دارد و هرچه این امور در شخص تقویت شود به همان میزان، رفتار اهل سخاوت به تمامیت کمالی آن نزدیک‌تر می‌شود.

ابن شهرآشوب در ذکر مکارم اخلاقی پیامبر(ص) که بدان متصف بوده، می‌نویسد: كَانَ النَّبِيُّ قَبْلَ الْمَنِيِّ مُوصَوْا بِعَشْرِينَ خُصْلَةً مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ لَوْ انْفَرَدَ وَاحِدٌ بِأَحَدِهَا لَدَلَّ عَلَى جَلَالِهِ فَكَثِفَ مِنْ أَجْمَعَتِ فِيهِ؟! كَانَ نَبِيًّا آمِنًا، صَادِقًا، حَادِقًا، أَمِيلًا، سَخِيًّا، كَمِيًّا، قَانِعًا، مُتَوَاضِعًا، خَلِيمًا، رَحِيمًا، غُيُورًا، ضُيُورًا، مُؤَافِقًا، مُرَافِقًا، لَمْ يُخَالِطْ مُتَجَمًّا وَ لَا كَاهِنًا وَ لَا عِيفًا؛ (رسول اکرم (ص) پیش از مبعوث شدن، بیست خصلت از خصلت‌های پیامبران را دارا بودند، که اگر کسی یکی از آنها را داشته باشد، دلیل عظمت اوست، چه رسد به کسی که همه آنها را دارا باشد، آن حضرت، پیامبری امین، راستگو، ماهر، اصیل، شریف، استوار، سخنور، عاقل، با فضیلت، عابد، زاهد، سخاوتمند، دلیر و با شهامت، قانع، متواضع، بردبار، مهربان، غیرتمند، صبور، سازگار، و نرمخو بود و با هیچ منجم (قائل به تأثیر ستارگان)، غیبگو و پیشگوئی هم‌نشین نبود. (مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۱۲۳)

با شاخص‌هایش یا جزو رشید با مؤلفه‌هایش قرار می‌دهد.(حجرات، آیه ۷، هود، آیه ۷۸)
امام صادق(ع) درباره عظمت سخاوت به عنوان عالی‌ترین مکارم اخلاقی که پیامبر(ص) بدان متخلق بوده، می‌فرماید:السَّخَاءُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ عِمَادُ الْإِيمَانِ وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا أَوْمُونًا إِلَّا سَخِيًّا- وَ لَا يَكُونُ سَخِيًّا إِلَّا ذُو يَقِينٍ وَ هُمَّةٌ عَالِيَةٌ لِأَنَّ السَّخَاءَ شَخَاءُ نُورِ الْيَقِينِ- مَنْ عَرَفَ مَا قَصَدَ هَـٰنَ عَلَيَّهِ مَا بَدَّلَ؛ سخاوت از اخلاق پیامبران و ستون ایمان است.

با شاخص‌هایش یا جزو رشید با مؤلفه‌هایش قرار می‌دهد.(حجرات، آیه ۷، هود، آیه ۷۸)

امام صادق(ع) درباره عظمت سخاوت به عنوان عالی‌ترین مکارم اخلاقی که پیامبر(ص) بدان متخلق بوده، می‌فرماید:السَّخَاءُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ عِمَادُ الْإِيمَانِ وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا أَوْمُونًا إِلَّا سَخِيًّا- وَ لَا يَكُونُ سَخِيًّا إِلَّا ذُو يَقِينٍ وَ هُمَّةٌ عَالِيَةٌ لِأَنَّ السَّخَاءَ شَخَاءُ نُورِ الْيَقِينِ- مَنْ عَرَفَ مَا قَصَدَ هَـٰنَ عَلَيَّهِ مَا بَدَّلَ؛ سخاوت از اخلاق پیامبران و ستون ایمان است.

هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه اهل سخاوت و بخشندگی است و تنها آن کس بخشنده است که از یقین و همت والا برخوردار باشد؛ زیرا که بخشنده‌ی پرتو نور یقین است، هر کس هدف را بشناسد، سخا و بخشش بر او آسان شود.(مصباح‌الشریعه، ص ۸۲، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۵۵، ج ۱۷)

از همین‌رو خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره نسبت خویش به خدا در صفات الهی می‌فرماید: انْسَا أَدِيبَ اللَّهِ وَ عَلِيَ أَدِيبِي، أَمْرَتِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَ الْبَرِّ وَ نَهَانِي غِنَ الْبُخْلِ وَ الْجَفَاءِ وَ مَا شِئْتُ أَنْفَعِيَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ، وَ أَمْرَتُهُ لِيُقَسِّدَ الْعَمَلَ كَمَا يُقَسِّدُ الْخَلَّ الْعَمَلُ؛ من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است، پروردگارم مرا به سخاوت و نیکی کردن فرمان داد و از بخل و سختگیری بازم داشت. در نزد خداوند عزّ و جل چیزی منقورتر از بخل و بد اخلاقی نیست. بد اخلاقی، عمل را ضایع می‌کند، آن سان که سر که عسل را بردار.(مکارمالاخلاقی طبرسی، ص ۱۷)

نمی‌رود و به دور از افراط و تفریط و اسراف و بخل عمل می‌کند. امام حسن عسکری(ع)می‌فرماید: إِنَّ لِلْإِسْخَاءِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ غَلِبَ فَهُوَ سُرفَه؛ سخاوت اندازه ای دارد که اگر از آن فراتر رود اسراف است.(اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۲)
امام باقر(ع) می‌فرماید: شَيْعَةُ عَلِيٍّ الْمَتَذِلُّونَ فِي وَلَايَتِنَا الْمُنْخَلَوْنَ فِي مَوْدِنَا الدِّينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَغْلِبُوا وَ إِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا بِرُكَّةٍ عَلَى مَنْ جَاوَزُوا يَسْلَمُ لِمَنْ خَالَطُوا؛ شیعیان علی(ع) کسانی هستند که در راه دوستی ما مال خود را به یکدیگر می‌بخشند و به دوستی ما با یکدیگر دوست می‌شوند، اگر به خشم آیند ستم روا نمی‌دارند و اگر خشنود شوند زیاده روی نمی‌کنند، برای همسایگان برکت هستند و برای معاشرین خود مایه سلامتی و آسایش می‌باشند.(خصال، صدوق، ص ۱۰۴، ج ۱۰۴)

بنابراین، اهل سخاوت به دور از بخل و تنگ چشمی تفریطی یا به دور از اسراف افراطی عمل می‌کنند؛ زیرا اعتلایت فطری و رعیت آنان بر اساس نور الهی، زندگی را بر اساس دین الهی قرار می‌دهد که چیزی جز حق و عدالت نیست.

از نشانه‌های اهل سخاوت، رفتاری است که در عمل نشان می‌دهد؛ زیرا بر اساس قاعده قرآنی «کل يعمل علی شاکلته؛ هر کسی بر اساس شاکله شخصیت خویش عمل می‌کند» (اسراء، آیه ۸۴) امور باطنی و نفسانی را می‌توان در آثار عملی جست‌وجو کرد که از شخصی صادر می‌شود؛ امام رضا(ع) می‌فرماید: اسَّخِيَ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِتَأْكُلُوا مِنْ طَعْمِهِ، وَ الْبُخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِئَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعْمِهِ؛ سخاوتمند از غذای مردم می‌خورد، تا مردم از غذای او بخورند اما بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا آنها نیز از غذای او نخورند.(تحف‌العقول ص ۴۴۶، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۵۲، ج ۸)

در میان اصول مکارم اخلاقی می‌توان سخاوت و شجاعت را جزو برترین‌ها دانست که محبوب خلق و خالق است.

امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید: السَّخَاءُ وَ السَّجَاعَةُ غَرَاثِزُ شَرِّفَةٍ، يَضَعُهَا اللَّهُ سُجَانَةً فَيُفْنِ أَخْبَهُ وَ امْتَحَنَهُ؛ سخاوت و شجاعت خصلت‌های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد.(تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۳۷۵، ج ۸۴۴۳)

اصولا جنس سخاوت و جود از جنس کرامت و ایثارگری است و اوج آن را می‌توان در بخشش و احسان بی‌درخواست یافت. بنابراین، اینکه گفته می‌شود که سخاوت اسم جامع برای دیگر فضائل اخلاقی است؛ از تفسیر تبیینی معصومان(ع) به دست می‌آید؛ زیرا از شاخص‌های سخاوت می‌توان به این روایت امام صادق(ع) اشاره کرد که ایشان می‌فرماید:السَّخَاءُ مَا كَانَ إِبْتِداءً، فَأَمَّا مَا كَانَ مِنْ مُسْأَلَةٍ فَيَحْيَا وَ تَذُمَّ؛ سخاوت آن است که بی درخواست انجام گیرد، اما سخاوتی که در مقابل درخواست باشد ناشی از شرمندگی و برای فرار از شرمش است.(بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۵۷، ج ۲۱؛ ششیه این حدیث در نهج‌الایلا، صبحی صالح، ص ۴۷۸، ج ۵۳؛ تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۳۷۷، ج ۸۵۰۴)

سخاوت در جوانی

جوانی بهترین زمان برای کسب مکارم اخلاقی است؛ زیرا نقش در جوانی نقش استواری است که تغییرات را نمی‌پذیرد و همواره با شخص به عنوان مقوم و شاکله و ملکه باقی و برقرار است. بنابراین، هر کسی بخواهد کسب مکارم و فضائل داشته باشد، می‌بایست آن را در جوانی به دست آورد.

دشمنت پیمان صلح بستی، کاملاً از او بر حذر باش، زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود تا طرف را غافلگیر کند، بنابراین در چنین شرایطی احتیاط را از دست نده و دوراندیش باش و حسن‌ظن خویش را متهم ساز.» چه‌بسا دشمن دم از صلح، دوستی و تغییر رویه می‌زند، در این صورت نباید حسن‌ظن داشت و سریع به او اعتماد کرد.^(۲)

۲. در محیط‌های که فساد غلبه دارد

امیر مؤمنان علی(ع) در حدیثی می‌فرماید: «إِذَا اسْتَوْلَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَغْلَبَ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَنْظُرْ مِنْهُ خَوِيَّةً فَقَدْ ظَلَم، وَ إِذَا اسْتَوْلَى السُّفَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَغْلَبَ فَاسْتَنْ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّ؛ هنگامی که صلاح و دوستی بر زمان و اهلس غالب شود، سپس کسی نسبت به دیگری که گمانی از او آشکار نشده است سوءظن پیدا کند، ظلم و ستم کرده است و هرگاه فساد بر زمان و اهلس چیره شود و در این حال کسی به دیگری حسن‌ظن پیدا کند، خود را فریب داده است.»^(۳)

۳. در هنگام غلبه ظلم و جور

امام کاظم(ع) فرموده است: «إِذَا كَانَ الْجَوْرُ أَغْلَبَ مِنَ الْحَقِّ لَمْ يَحِلَّ لِأَحَدٍ أَنْ يَنْظُنَّ بِأَخٍ خَيْرًا حَتَّى يُعَرَفَ ذَلِكُ مِنْهُ؛ هر گاه ستم و ناراستی، از دشمنت پیمان صلح بستی، کاملاً از او بر حذر باش، زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود تا طرف را غافلگیر کند، بنابراین در چنین شرایطی احتیاط را از دست نده و دوراندیش باش و حسن ظن خویش را متهم ساز.» چه‌بسا دشمن دم از صلح، دوستی و تغییر رویه می‌زند، در این صورت نباید حسن‌ظن داشت و سریع به او اعتماد کرد.^(۴)

۴. سوءظن به افراد نیکوکار
در روایات از سوءظن نسبت به افراد نیکوکار نهی شده است: «سوء الظن بالمحسن شرّ الإثم و أقیح الظلم؛ بدگمانی به انسان نیکوکار بدترین گناهان و قبیح‌ترین صلیحی بانی نگذارد.»^(۱)

۵. سوءظن به فردی که خیانتکار نیست
در روایتی امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده است: «سوء الظنّ بمن لا یخون من اللّٰهُ؛ بدگمانی درباره کسی که خیانتکار نیست از ناکسی است.»^(۲)

۶. بدگمانی نسبت به دوستان
در آثار بدگمانی نسبت به دوستان آمده است: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَرْكُ بُنْیَةً وَ یَبْنَ حُلَیْلَ صِلَاحًا؛ بدگمانی به هر که غلبه کند میان او و دوستش دیگر صلیحی باقی نگذارد.»^(۳)

۷. سوءظن به نفس اماره
امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «عَلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا یُخْشَى وَ لَا یُخْشَى إِلَّا وَ نَفْسُهُ ظَلُومٌ عَنْده؛ بداندایی بندگان خدا که مؤمن (روزی را) شب نمی‌کند و (شبی را) صبح نمی‌کند، مگر آنکه به نفس خود بدگمان است.»^(۴)

۵. خطورات ذهنی غیر ارادی

یکی دیگر از مصادیق و حالاتی که سوءظن قبیح اخلاقی ندارد، درجایی است که صرفاً یک حالت نفسانی است به تعبیر دقیق‌تر نوعی ادراک نفسانی است که در دل پدید می‌آید و آدمی قادر نیست از آن جلوگیری کند؛ شهید ثانی از فقهیان شیعه در قرن دهم قمری معتقد است، بدگمانی نسبت

صفحه ۷
شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴
۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۹۹

بسیاری از مردم تا جوان و اهل قدرت و توان هستند، هیچ اندیشه‌ای برای آخرت ندارند و تنها در اندیشه ثروت و قدرت هستند و به کثاتر می‌اندیشند، اما وقتی به پیری می‌رسند تازه در اندیشه ره توشه تقوای آخرت می‌افتند. چنین افرادی میغوش الهی هستند؛ چنان‌که رسول اکرم می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْبُخِيلَ فِي حَیَاتِهِ، السَّخِيُّ عِنْدَ وَفَاتِهِ؛ خداوند از کسی که در زندگی بخیل باشد و در هنگام مرگ سخی شود، نفرت دارد.(بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۴)

اصولا «پاک بودن در جوانی شیوه پیغمبری است»ورنه هر گبری به پیری می‌شود برهیزر کار.» امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «شساب سخی مرقق فی الذنوب احب الی الله عز و جل من شیخ عابد بخیل؛ جوان سخاوتمند الهه به گناه، نزد خدا محبوب‌تر از پیرمرد عابد بخیل است.»(بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۸)

نه‌تنها سخاوت از عالی‌ترین مکارم اخلاقی و اسم جامع برای فضائل دیگر اخلاقی است، بلکه ارتباط تنگاتنگی با عقل و یقین و علم دارد و هرچه این امور در شخص تقویت شود به همان میزان، رفتار اهل سخاوت به تمامیت کمالی آن نزدیک‌تر می‌شود.

سخاوت؛ جلب‌کننده محبت

از نظر امیر مؤمنان(ع) از آثار سخاوت می‌توان به دو ویژگی ار استگای اهل سخاوت به فضائل اخلاقی و نیز کسب محبت اشاره کرد. ایشان می‌فرماید: السَّخَاءُ یُکَسِّبُ الْمَحَبَّةَ وَ یُزَيِّنُ الْإِخْلَاقَ؛ سخاوت، محبت آور و زیانت اخلاق است.(تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۷۸، ج ۸۵۲۳)

بنابراین، کسی که اهل سخاوت باشد، به دیگر فضائل اخلاقی نیز آراسته است و محبوب خدا و خلق می‌شود؛ زیرا اولا تخلق به اخلاق الهی کرامت است که موجب تقرب به خدا می‌شود و ثانیاً خلق نیز به فطرت الهی خویش حتی اگر اهل سخاوت نباشد ولی به کرامت و اهل سخاوت گرایش دارد؛ از همین‌رو محبوب خدا و خلق می‌شود و در نهایت بهشت‌خیزی که همان تجلیات انوار صفات و اسمای الهی در انسان است، برایش رقم می‌خورد. یکی از آثار سخاوت آن است که بسیاری از عیوب و نواقص آنان را می‌پوشاند.

چنان‌که امام علی(ع) می‌فرماید: «غطوا معایبکم بالسَّخَاءِ فانه ستر العیوب، عیوب خویش را باسخاوت بپوشانید، زیرا سخاوت پوشاننده عیبهات»(غررالحکم، حدیث ۴۴۲۰)

همچنین آن حضرت در جای دیگر درباره آثار سخاوت می‌فرماید: «السَّخَاءُ یُصْحِحُ الْغُیُوبَ وَ یُجَلِّبُ مَحَبَةَ الْقُلُوبِ؛ سخاوت، گناهان را پاک می‌کند و دل‌ها را بسوی سخاوت‌کننده فرامی‌خواند.»(غررالحکم، حدیث ۱۷۳۸)

کسی که دلش برای بهشت می‌تپد و دوست دارد بهشتی گردد باید اهل سخاوت باشد. در این باره امام صادق(ع) می‌فرماید: طلبت الجنة فوجدتها فی السَّخَاءِ؛ بهشت را جست‌وجو کردم و آن را در بخشندگی یافتم.(مستدرک الوسائل، ج ۱۲، صص ۱۷۴ و ۱۷۳)

پی‌نوشت‌ها:

۱. رابع‌الاصفاهي، ابوالقاسم حسین بن محمد، معجم فخر، الفاظ قرآن، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۴۴.
۲. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، عربی- فارسی، تهران، اسلامی، ص ۱۳۴، ص ۵۹۰.
۳. حبیبیان، احمد، مرز فضائل و ذرایل اخلاقی، قم، مطبوعات ندوی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۳۸۵ ش، ج ۳، ص ۳۳.
- ۵ و ۶. رباعي، مهدی بن ابی‌ذر، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، قم، قائم آل علی(ع)، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۷۸.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۷.
۸. همان، ج ۱۸، ص ۴۸۳.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، چاپ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۷.
۱۰. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، ج ۱۲، ص ۲۳۰.
۱۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۹.
۱۲. محمدی زین‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۸۸.
۱۳. سجده، آیه ۷.
۱۴. مؤمنون، آیه ۱۴.
۱۵. مهیار، مرتضی، انشاییا بآ قرآن، تهران، صدر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۲۰.
۱۶. مظاهری، حسین، کاشش در اخلاق اسلامی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ص ۴۰۲.
۱۶. سید رضی، نهج‌الایلا،ه، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۳۶.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۹۸.
۲۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، مصحح: سید مهدی رجایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۱۰.
۲۶. شهید ثانی، کشف‌الریبه عن احکام الغیبه، بیروت، دارالاعیاد، ۱۳۹۰، ج ۲۰.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه المکارم، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۴۵.
۲۸. ترقای، مهدی بن ابی‌ذر، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، قم، قائم آل علی(ع)، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۷۷.